

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی

دکتر زهرا پورزمانی * دکتر آریتا جهانشاد ** علی حسین زائری ***

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

چکیده

در این مقاله مربوط بودن سود و ارزش دفتری تحت تأثیر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت و اقلام تعهدی اختیاری کل مورد آزمون قرار می‌گیرد. اقلام تعهدی اختیاری عموماً به عنوان معیاری برای سنجش مدیریت سود تلقی می‌گردد. بخشی از این مقاله اختصاص به تدوین الگوهای برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت دارد. این امر بررسی تأثیر متفاوت اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت نسبت به اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت را بر مربوط بودن سود می‌سازد. نمونه‌های تحقیق از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۷۸ انتخاب شده است. در این تحقیق از تحلیل همبستگی و رگرسیون با استفاده از آزمون‌های F و t -student جهت بررسی معنادار بودن همبستگی و نیز آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت سود بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری اثرگذار است. همچنین مربوط بودن سود در شرکت‌هایی که اقلام تعهدی اختیاری دلالت بر مدیریت سود دارد نسبت به شرکت‌هایی که در آنها مدیریت سود صورت نگرفته است، پایین‌تر است. تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن ارزش دفتری نیز صرفاً در حالت مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت مشهود بود.

واژه‌های کلیدی: متغیرهای حسابداری، ساختار تصمیم‌گیری، بازده سهام، تئوری‌های ارزیابی بازده، پنل دیتا.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

*** کارشناس ارشد حسابداری.

۱- مقدمه

مدیریت سود زمانی روی می دهد که مدیریت قضاوت شخصی خود را در گزارشگری مالی و ساختار معاملات اعمال می نماید به گونه ای که گزارشهای بدیل و جایگزینی را در رابطه با عملکرد شرکت جهت گمراه کردن برخی ذینفعان ارایه می نماید. تعریف ارایه شده از مدیریت سود از دو جنبه اساسی برخوردار می باشد. نخست توانایی اعمال نظر شخصی مدیر مطرح شده است. این بدان معنی است که مدیریت در مورد انتخاب رویه ها و اصول برای گزارشگری برخوردار می باشد. از نمونه های بارز در این زمینه می توان به طرح متنوع بازنشستگی، برآورد عمر مفید و ارزش اسقاط دارایی های بلند مدت، مالیات های معوق و روش های رایج در زمینه ارزش گذاری موجودی ها اشاره نمود. نکته دوم به گمراه کردن برخی ذینفعان اشاره دارد و این زمانی اتفاق خواهد افتاد که مدیران در موقعیتی قرار می گیرند که به اطلاعاتی دسترسی پیدا می کنند که استفاده کنندگان از آن بی اطلاع می باشند (هلی و والن^۱، ۱۹۹۸).

بنابراین مدیریت سود شاخصی از قابل اتکا بودن سود در اختیار قرار می دهد. قابل اتکا نبودن سود ممکن است مربوط بودن آن را در فرایند ارزیابی وضعیت مالی شرکت کاهش دهد. در این حالت ممکن است ارزش دفتری به عنوان یک منبع اطلاعاتی جایگزین برای اهداف ارزیابی مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا بیکه جزء اختیاری ارقام تعهدی سود می تواند این فرصت را در اختیار مدیر قرار دهد که آنها سود را دستکاری نمایند، بنابراین از این گونه ارقام جهت شاخص مدیریت سود استفاده می شود (شواتو^۲، ۲۰۰۷).

هدف از پژوهش حاضر گسترش دامنه رابطه بین تحقیقات مربوط به ارزیابی

^۱ Helay & Wahlen

^۲ Shuto

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی ۴۱

(سهام) شرکت و تحقیقات مربوط به مدیریت سود می باشد. در تحقیقات اولیه که در زمینه مدیریت سود انجام شده است تمرکز بیشتر بر کشف مدیریت سود^۱ می باشد، در حالی که توجه کمی معطوف به تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری بوده است. در پژوهش حاضر مربوط بودن سود و ارزش دفتری در صورت وجود مدیریت سود مورد بررسی قرار می گیرد. انتظار بر آن است که در تمامی شرکت‌ها اقلام تعهدی اختیاری وجود داشته باشد. بنابراین، صرف وجود اقلام تعهدی اختیاری به خودی خود شاخص مدیریت سود^۲ نمی باشد. به عبارت دیگر، فرض بر آن است که در یک صنعت مشخص در شرکتی که دارای اقلام تعهدی بالا است نسبت به شرکتی که دارای اقلام تعهدی اختیاری پایین می باشد، به احتمال زیاد از مدیریت سود استفاده شود.

۲- پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات مرتبط با مدیریت سود بیانگر تلاش‌های محققین در فهم این مطلب است که چرا مدیران به دنبال دستکاری سود هستند، چگونه سود را مدیریت می کنند و تبعات این گونه رفتار چگونه است. پاسخ به این سوالات بخش زیادی از تحقیقات تجربی را در حوزه حسابداری و گزارش‌گری مالی به خود اختصاص داده است (کرباسی یزدی، ۱۳۸۳).

بازار برای ارزیابی شرکت از اطلاعات صورت‌های مالی استفاده می کند. این ارزیابی بر مبنای عملکرد مورد انتظار آتی که معمولاً از عملکرد گذشته ناشی می شود، صورت می گیرد. بدین ترتیب، عموماً از سود گزارش شده و ارزش دفتری شرکت به عنوان مبنایی برای ارزیابی استفاده می گردد (ایستن و هاریس، ۱۹۹۱؛ بیور، ۱۹۹۶؛ پنمن، ۱۹۹۸؛ اوو و سپ، ۲۰۰۲).

^۱ Detection of Earnings Management

^۲ Indicator of Earnings Management

از آنجایی که جزء اختیاری ارقام تعهدی این فرصت را برای مدیریت فراهم می آورد تا سود را دستکاری کند، از آن به عنوان شاخص مدیریت سود استفاده می شود (بارتو و همکاران، ۲۰۰۱؛ بوومن و ناویسی، ۲۰۰۳).

ارقام تعهدی اختیاری^۱ آن دسته از ارقام تعهدی هستند که قابل اعمال نظر توسط مدیریت هستند. شواهدی وجود دارد که رابطه بین مدیریت سود و قیمت سهام را نشان می دهد (رانگان^۲، ۱۹۹۸).

ارقام تعهدی کوتاه مدت^۳ و ارقام تعهدی بلندمدت^۴ اطلاعات اضافی را برای بازار فراهم می کنند؛ البته ارقام تعهدی کوتاه مدت نسبت به ارقام تعهدی بلند مدت مربوط تر می باشند (گوای و همکاران، ۱۹۹۷؛ ویلسون، ۱۹۹۸؛ چیا سیدهو، ۲۰۰۱).

از آنجایی که ارقام تعهدی کوتاه مدت و بلندمدت به شکل بالقوه متفاوت، مسأله زمان بندی و تطابق را کاهش می دهند، تمایز بین این اجزا، یکی از ملاحظات مهم در بررسی نقش ارقام تعهدی اختیاری می باشد. بدین ترتیب، در ادبیات مدیریت سود وجود معیارهایی از ارقام تعهدی اختیاری مورد نیاز است.

هیلی (۱۹۸۵) از میانگین کل ارقام تعهدی به منظور نشان دادن ارقام تعهدی غیر اختیاری^۵ استفاده نمود. به طور مشابه، دی آنجلو (۱۹۸۶) از کل ارقام تعهدی دوره های قبل به عنوان برآوردی از ارقام تعهدی غیر اختیاری استفاده کرد. در این الگوها هیچ گونه توجه ای به اجزاء کوتاه مدت و بلندمدت ارقام تعهدی اختیاری نشده است. در الگوی صنعت ارائه شده توسط دیچاو و اسلون (۱۹۹۱) نیز از کل ارقام تعهدی استفاده شده است. تحقیقات گوش و اولسن (۲۰۰۹) نشان دهنده این مطلب است که مدیران برای کاهش نوسانات سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می کنند.

۱ Discretionary Accruals
 ۲ Rangan
 ۳ Short-term Accruals
 ۴ Long-term Accruals
 ۵ Non- discretionary Accruals

۳- مفهوم مدیریت سود

در ادبیات حسابداری مدیریت سود استفاده از شکل‌های مختلف دستکاری سود به منظور رسیدن به سود مورد انتظار در راستای دستیابی به اهداف خاص (اسکات، ۲۰۰۳) و مداخله در فرایند گزارشگری صورت‌های مالی به قصد به دست آوردن سود خالص و مشخص (دی‌چو و اسکینر، ۲۰۰۰) و نیز یک انتخاب توسط مدیر از سیاست‌های حسابداری جهت رسیدن به برخی اهداف معین (دوانی، ۱۳۸۳) تعریف شده است. در مطالعات مذکور هدف از مدیریت سود را ماکزیم نمودن پاداش‌ها، اجتناب از نقص شروط بدهی‌های اوراق قرضه که از پرداخت سود سهام جلوگیری می‌کند و حداقل نمودن گزارش درآمد برای به حداقل رساندن دخالت دولت برشمرده‌اند.

دی‌جورج و همکاران مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش‌بینی تحلیل‌گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش‌بین سودهای آتی) تعریف می‌کند.

به نظر ایشان در واقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه‌گذاران در مورد واحد تجاری است (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۴).

عرب‌مازار یزدی و همکاران (۱۳۸۵) محتوای اطلاعاتی جریان‌های نقدی و تعهدی را بررسی نمودند. آنها به این نتیجه رسیدند که محتوای افزایش‌دهنده اطلاعاتی سود نسبت به جریان‌های نقدی عملیاتی و نیز بار اطلاعاتی فزاینده اقلام تعهدی اختیاری نسبت به اقلام تعهدی غیر اختیاری می‌باشد.

۴- اقلام تعهدی اختیاری

از ویژگی‌های اقلام تعهدی این است که می‌توان آنها را به عنوان شاخصی از انتخاب‌های حسابداری شرکت در نظر گرفت. معمولاً در تحقیقات مدیریت سود آنها را به دو قسمت تقسیم می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیراختیاری، که

اقلام تعهدی اختیاری شاخص مدیریت سود می باشد. از آنجا که اقلام تعهدی اختیاری مستقیماً از صورت های مالی قابل تشخیص نیستند، از اینرو آن را باید با استفاده از یک الگو برآورد نمود. این الگوها سطح مورد انتظاری را برای اقلام تعهدی غیر اختیاری شکل می دهند و انحراف میزان واقعی اقلام تعهدی را از این سطح اقلام تعهدی اختیاری فرض می کنند. بدین ترتیب، اقلام تعهدی اختیاری به دلیل این که توسط الگو برآورد گردیده به این نام نام گذاری شده است. این که آیا اقلام تعهدی اختیاری شاخص خوبی برای مدیریت سود می باشد به توانایی الگو جهت پیش بینی صحیح این که چگونه تغییر در شرایط تجاری بر اقلام تعهدی تأثیر می گذارد، بستگی دارد.

بیشتر الگوها با فرض اینکه مدیریت سود نظام مندی در گذشته وجود نداشته است، اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت را از سطح اقلام تعهدی گذشته برآورد می کنند (رویکرد اول) (جونز، ۱۹۹۱). روش دیگر استفاده از رویکرد مقطعی^۱ است که طی آن سطح عادی اقلام تعهدی یک دوره از طریق اقلام تعهدی شرکت های مشابه در همان دوره تعیین می گردد (رویکرد دوم) (دفوند و جیامبولو، ۱۹۹۴). مشکلی که در هر دو روش سری زمانی^۲ و مقطعی وجود دارد این است که اقلام تعهدی با تغییر در شرایط تغییر می کنند. در الگوهای جدید تر سعی بر آن است که این تغییرات با پارامترهایی که فرض می شود اقلام تعهدی مورد انتظار را با تغییر شرایط تعدیل کنند، کنترل شوند. معروف ترین الگوی برآورد اقلام تعهدی در تحقیقات مربوط به مدیریت سود، الگو جونز^۳ (۱۹۹۱) می باشد که در آن اقلام تعهدی غیر اختیاری با رگرسیون حداقل مربعات مستقیم (OLS) برآورد می شوند. در این رگرسیون، تغییر در فروش و سطح اموال، ماشین آلات و تجهیزات به عنوان متغیرهای توضیحی (مستقل) می باشد. جونز مقادیر ثابت رگرسیون را با استفاده از داده هایی که بین ۱۴ تا ۳۲ سال متغیر بود برای هر شرکت برآورد نموده و از این طریق اقلام تعهدی غیر اختیاری را برای دوره مورد

^۱ Cross-sectional Approach

^۲ Time-series Approach

^۳ Jones Model

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی ۴۵

آزمون بدست آورد. الگوی جونز به صورت زیر می باشد (رابطه ۱):

(۱)

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_{0,i} \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_{1,t} \frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_{2,i} \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t}$$

که $\Delta REV_{i,t}$ تغییر در فروش شرکت i ، $PPE_{i,t}$ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات و $\varepsilon_{i,t}$ عبارت خطای شرکت i در سال t می باشد. پارامتر برآورد شده از جهت محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، با داده های دوره مورد آزمون ترکیب می شوند رابطه (۲):

(۲)

$$DAC_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - \left[\beta_{0,i} \frac{1}{A_{i,t-1}} + \beta_{1,t} \frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \beta_{2,i} \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right]$$

الگوی جونز (۱۹۹۱) تا به حال چندین بار تعدیل گردیده است. در روش مقطعی ضریب های الگوی جونز با اجرای رگرسیون مورد شرکت هایی که مثلاً از نظر سال و صنعت با شرکت مورد نظر مطابق هستند، بدست می آید. الگوی اولیه بارها در مطالعات مختلف اصلاح شد. دجو و دیگران (۱۹۹۵) استدلال می کنند از آن جا که فروش ها می توانند از طریق متورم کردن حساب های دریافتی مدیریت شوند، پس پارامتر دوم باید تصحیح شده و به صورت $\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{A_{i,t-1}}$ درآید. که در این

حالت $\Delta REC_{i,t}$ تغییر در حساب های دریافتی شرکت i است. شاید هزینه

استهلاکی که در محاسبه مجموع ارقام تعهدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، برای محاسبه مدیریت سود در دسترس نباشد که همین امر منجر شد تا محققان الگوی جونز را در مورد ارقام تعهدی با حذف پارامتر مربوط به اموال، ماشین آلات و تجهیزات مورد استفاده قرار دهند (تئو و همکاران، ۱۹۹۸). در تحقیقات اخیر کازنیک (۱۹۹۹) پارامتر تغییر در جریان نقدی را و کائری و دیگران (۲۰۰۱) پارامتر بازده حقوق صاحبان سهام دوره قبل را به منظور کنترل تأثیر عملکرد بر روی ارقام تعهدی، مورد استفاده قرار دادند.

دچو و همکاران این الگو را با الگوی هیلی ودی و آنجلو و نیز الگوی صنعت، مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که الگوی جونز از قدرت بیشتری برای کشف مدیریت سود در شرکت های تجاری برخوردار می‌باشد. بنابراین در تحقیق حاضر برای بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از الگوی جونز استفاده می‌شود.

۵- سود، ارزش دفتری و مدیریت سود

۵-۱- الگوی ارزیابی مدیریت سود

تأثیر اطلاعات صورت های مالی بر بازار سرمایه یکی از بخش های دیرپای تحقیق می‌باشد (کائری، ۲۰۰۱). جریان مربوط بودن این تحقیق مبتنی بر این فرض می‌باشد که اگر اطلاعات سودمند باشد، سرمایه گذاران رفتار خود را تعدیل نموده و بازار از طریق تغییر قیمت سهام واکنش نشان خواهد داد. بنابراین، در صورتی که تغییرات قیمت سهام با انتشار اطلاعات همبستگی داشته باشد، اطلاعات مربوط خواهد بود. به منظور آگاهی از تاثیر دستکاری سود بر ارزش به الگویی نیاز داریم که اطلاعات حسابداری را به ارزش بازار مرتبط کند.

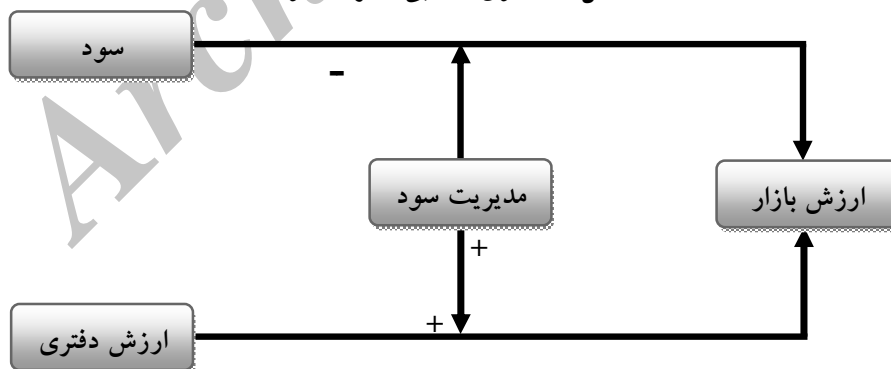
مربوط بودن اطلاعات حسابداری در تعیین ارزش شرکت تحت تأثیر آگاهی بازار از قابلیت اتکای اطلاعات قرار می‌گیرد. از آنجا که ارقام تعهدی اختیاری ممکن است

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی ۴۷

شاخص دستکاری فرصت طلبانه سود باشد، می‌تواند به عنوان شاخص قابلیت اتکای سود مورد استفاده قرار گیرد. زمانی که قابلیت اتکای سود کاهش یابد ممکن است بازار بر سود اتکای کمتری کند و به دنبال منابع دیگری از اطلاعات (از قبیل ارزش دفتری) باشد. به هر حال، از آنجا که ارزش دفتری تنها یکی از منابع متعدد اطلاعات می‌باشد، کاهش مربوط بودن سود در واقع ممکن نیست با افزایش مربوط بودن ارزش دفتری جبران گردد.

شکل ۱ رابطه بین اطلاعات حسابداری و ارزش بازار را نشان می‌دهد. انتظار بر آن است که سود و ارزش دفتری رابطه مثبتی با ارزش بازار، که منعکس کننده مربوط بودن این معیارهای حسابداری است، داشته باشد. مدیریت سود در نقش تعدیلی، بر رابطه بین معیارهای حسابداری و ارزش بازار تأثیر دارد. مدیریت سود ممکن است قابلیت اتکای سود و به تبع آن مربوط بودن سود را کاهش دهد. به عبارت دیگر، مدیریت سود ممکن است تأثیر منفی بر رابطه بین سود و ارزش بازار داشته باشد. زمانی که احساس می‌شود سود از قابلیت اتکای برخوردار نیست، ممکن است بازار به دنبال منبع دیگری از جمله ارزش دفتری جهت ارزیابی باشد. از اینرو، مدیریت سود ممکن است تأثیر مثبتی بر رابطه بین ارزش دفتری و ارزش بازار داشته و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش دهد (کوتاری و ایتال، ۲۰۰۱).

شکل ۱- الگوی ارزیابی مدیریت سود



در این تحقیق به بررسی تأثیر تفاضلی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری

کوتاه مدت و اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری پرداخته شده است.

۶- اقلام تعهدی

۶-۱- اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری

کل اقلام تعهدی را می توان به جزای اختیاری و غیراختیاری تجزیه نمود. اقلام تعهدی غیراختیاری توسط استانداردهای حسابداری ملزم گردیده و تحت تأثیر رویدادهای اقتصادی شرکت قرار می گیرد. در نتیجه، آنها نسبتاً خارج از اختیارات مدیریت می باشند. اما اقلام تعهدی اختیاری ممکن است نتیجه رفتار فرصت طلبانه باشد و از این رو موجب کاهش قابلیت اتکای سود گردد. از آنجا که اجزای اختیاری اقلام تعهدی به مدیریت این اجازه را می دهد تا سود را دستکاری کند، از آن به عنوان شاخص مدیریت سود استفاده می شود.

انگیزه این بخش از ادبیات کشف مدیریت سود تعیین شرایطی است که در آن مدیریت سود به احتمال زیاد رخ خواهد داد. همچنین شواهدی در مورد رابطه بین مدیریت سود و قیمت سهام وجود دارد. به عنوان مثال، شرکت هایی که قبل از انتشار سهام دارای اقلام اختیاری بالایی هستند بعد از انتشار گزارش عملکرد، قیمت سهام آنها ضعیف تر خواهد شد. اما آنچه که مورد بررسی قرار نگرفته تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری می باشد.

۶-۲- اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت و بلندمدت

اقلام تعهدی اختیاری می تواند شامل اقلام تعهدی کوتاه مدت و بلندمدت باشد. اقلام تعهدی کوتاه مدت آن دسته از اقلام تعهدی هستند که حساب های سرمایه در گردش را تحت تأثیر قرار داده و منعکس کننده تغییرات دارایی های جاری و بدهی های جاری می باشد. اقلام تعهدی بلندمدت شامل استهلاک، مزایای مالیاتی آتی، ارزیابی

دارایی‌ها و تعدیل ارزش منصفانه ابزارهای مالی است. محتوای اطلاعاتی اجزای اقلام تعهدی در ادبیات حسابداری مورد بحث واقع شده است. نتایج عمدتاً گویای آن است که اقلام تعهدی کوتاه مدت در مقایسه با اقلام تعهدی بلندمدت مربوط تر هستند.

مربوط بودن نسبی اجزای اقلام تعهدی بستگی به فاصله بازده ای دارد که مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که اقلام تعهدی کوتاه مدت ظرف یک سال معکوس خواهد شد، برای فاصله بازده یک ساله مربوط تر خواهد بود. از آنجا که اقلام تعهدی بلندمدت طی دوره های طولانی تر معکوس خواهند شد، به محض اینکه فاصله بازده افزایش یابد مربوط تر خواهند شد.

مدیریت می تواند از ویژگی های معکوس تفاضلی اجزای اقلام تعهدی بهره ببرد. از آنجا که بازار انتظار دارد اقلام تعهدی کوتاه مدت نسبتاً به سرعت معکوس گردد، فرصت کمی برای مدیریت وجود دارد تا سود را دستکاری کند. اسلوان (۱۹۹۶) نشان داد که ممکن است سه سال طول بکشد تا اقلام تعهدی معکوس گردد. بدین ترتیب، رفتار مورد انتظار اقلام تعهدی بلندمدت جنبه های مختلفی را برای رفتار فرصت طلبانه فراهم می کند. اگر بازار انتظار نداشته باشد که اقلام تعهدی معکوس گردد، ممکن است دستکاری اقلام تعهدی بلندمدت برای چندین دوره کشف نشود. بازار ممکن است دریابد که به کارگیری اقلام تعهدی کوتاه مدت و اقلام تعهدی بلندمدت به عنوان ابزارهای مدیریت سود متفاوت باشد. بدین ترتیب، تأثیر مربوط بودن سود و ارزش دفتری زمانی که اقلام تعهدی اختیاری بلندمدت در مقایسه با اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت جهت مدیریت سود مورد استفاده قرار می گیرند، بیشتر خواهد بود.

۷- فرضیه های تحقیق

فرضیه های این تحقیق با توجه به اهداف، به شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه اصلی اول: سود و ارزش دفتری با ارزش شرکت رابطه مثبتی دارد.

فرضیه اصلی دوم: مدیریت سود مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش

دفتری را افزایش می دهد.

فرضیه فرعی اول: مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می دهد.

فرضیه فرعی دوم: مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می دهد.

فرضیه فرعی سوم: مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می دهد.

فرضیه اصلی سوم: مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلندمدت در مقایسه با مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت تأثیر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری دارد.

۸- روش تحقیق

این تحقیق از نوع همبستگی و رگرسیون بوده و با توجه به اطلاعات به دست آمده از نظر نوع و تعداد، به صورت تحلیل تجمعی داده ها انجام گرفته است.

در این تحقیق از اطلاعات تاریخی داده ها استفاده شده است، بنابراین تحقیق از نوع شبه آزمایشی است.

برای آزمون فرضیه های تحقیق از روش رگرسیون و فن OLS در سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شده است.

به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از فایل های فشرده که توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران منتشر شده است و نیز نرم افزار تدبیر پرداز استفاده شده است.

نرم افزار SPSS نیز برای آزمون های آماری مورد نیاز، مورد استفاده قرار گرفته است.

۹- جامعه و نمونه آماری

جامعه این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ می‌باشد. در این تحقیق برای انتخاب اعضای نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. بدین ترتیب که از میان تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌هایی که در تمامی سال‌های ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۶ عضو بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند، انتخاب نموده و سپس به طور تصادفی ۱۳۰ شرکت از میان ۲۱۰ شرکت واجد شرایط فوق انتخاب شده و با توجه به حجم آماری توزیع جامعه را نرمال در نظر گرفته و حجم نمونه را با استفاده از رابطه (۳) محاسبه می‌کنیم.

(۳)

$$n = \frac{(Z\alpha/2)^2 \times p \times q \times N}{(N-1) \times \varepsilon^2 + [(Z\alpha/2)^2 \times p \times q]} = \frac{(1/96)^2 \times 0/50 \times 0/50 \times 210}{(210-1) \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/50 \times 0/50} = 130$$

مشاهده می‌شود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای ۵ درصد بایستی حداقل حجم نمونه ۱۳۰ انتخاب شود تا نتایج آن قابل تعمیم به جامعه آماری باشد.

۱۰- الگوهای تحقیق

الگوهای تحقیق بر اساس فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل تدوین شده است:

۱۰-۱- رابطه مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی اول

برای آزمون فرضیه اصلی اول از رابطه رگرسیون (۴) استفاده خواهد شد:

(۴)

$$P_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{jt} + \alpha_2 BV_{jt} + \tau_{jt}$$

بطوری که:

$$P_{jt} = \text{قیمت سهام شرکت } j \text{ در پایان سال } t$$

$$E_{jt} = \text{سود هر سهم قبل از اقسام غیر مترقبه شرکت } j \text{ برای سال } t$$

$$BV_{jt} = \text{ارزش دفتری هر سهم شرکت } j \text{ در پایان سال } t$$

$$\tau_{jt} = \text{عامل خطای شرکت } j \text{ در سال } t$$

۱۰-۲- رابطه مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی دوم

برای آزمون فرضیه اصلی دوم از رابطه رگرسیون (۵) استفاده خواهد شد:

(۵)

$$P_{jt} = \beta_0 + \beta_1 D_{jt} + \beta_2 E_{jt} + \beta_3 E_{jt} D_{jt} + \beta_4 BV_{jt} + \beta_5 BV_{jt} D_{jt} + \tau_{jt}$$

بطوری که:

D_{jt} = یک متغیر مجازی است که اگر مدیریت سود اعمال گردد مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد.

سایر متغیرهای تحقیق همانند رابطه (۴) تعریف می شود.

۱۰-۳- رابطه مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی سوم

برای آزمون فرضیه اصلی سوم از رابطه رگرسیون (۶) استفاده خواهد شد:

(۶)

$$P_{jt} = \phi_0 + \phi_1 S_{jt} + \phi_2 L_{jt} + \phi_3 E_{jt} + \phi_4 E_{jt} S_{jt} + \phi_5 E_{jt} L_{jt} + \phi_6 BV_{jt} + \phi_7 BV_{jt} S_{jt} + \phi_8 BV_{jt} L_{jt} + \xi_{jt}$$

بطوری که:

$S_{jt} =$ یک متغیر مجازی است که اگر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری

کوتاه مدت اعمال گردد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

$L_{jt} =$ یک متغیر مجازی است که اگر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری

بلند مدت اعمال گردد مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

سایر متغیرهای تحقیق همانند رابطه (۴) تعریف می‌شود.

۱۱- یافته‌های تحقیق

داده‌های مربوط به ۱۳۰ شرکت عضو نمونه آماری تحقیق طی سال‌های ۷۸ تا ۸۶، از بانک‌های اطلاعاتی استخراج و به صفحه گسترده اکسل منتقل شد. پس از محاسبات لازم برای مجموع اقلام تعهدی، اقلام تعهدی کوتاه مدت و اقلام تعهدی بلند مدت و همچنین محاسبه اقلام تعهدی اختیاری برای هر یک از موارد فوق، آزمون‌های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. یافته‌های تحقیق به تفکیک فرضیه‌ها بشرح زیر ارائه شده است.

۱۱-۱- فرضیه اصلی اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول مبنی بر این که سود و ارزش دفتری با ارزش شرکت رابطه مثبتی دارد، با توجه به داده‌های تجمعی در جدول شماره ۱ آورده شده است. همان طوری که ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری آزمون معادل ۰/۰۰۰ و از خطای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر می‌باشد که همبستگی را در سطح معناداری ۰/۹۹ مورد تایید قرار می‌دهد. نوع رابطه نیز مثبت است، به این معنی که بین قیمت با سود هر سهم و ارزش دفتری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۱- ضریب همبستگی و آزمون معناداری - فرضیه اصلی اول

سطح معنی داری برای آزمون F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	۰/۳۵۱	۰/۵۹۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج حاصل از آزمون فرضیات آماری با استفاده از رگرسیون چند متغیره نیز مورد بررسی قرار گرفته و حاکی از تایید فرضیه اول می باشد. در ضمن ضریب تعیین تعدیل شده با استفاده از الگوی مذکور بیانگر این مطلب است که ۳۵/۱ درصد تغییرات به وسیله دو متغیر بیان می شود. همانطوری که جدول شماره ۲ نشان می دهد با توجه به مقادیری که در ستون ضرایب محاسبه شده است، بین دو متغیر مستقل سود هر سهم و ارزش دفتری با متغیر وابسته قیمت رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه در سطح معناداری ۰/۹۹ مورد تایید قرار می گیرد.

جدول ۲- برآورد الگوی رگرسیونی فرضیه اصلی اول

متغیرها	ضرایب	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت (Constant)	۳/۴۵۲	۷/۵۴۳	۰/۰۰۰
سود هر سهم (E)	۰/۰۰۱۲۷	۱۸/۰۴۱	۰/۰۰۰
ارزش دفتری (BV)	۰/۰۰۰۰۲۸۸	۶/۸۴۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱۱-۲- فرضیه اصلی دوم

فرضیه اصلی دوم به این شرح می باشد: مدیریت سود مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می دهد، که برای آزمون این فرضیه، سه فرضیه فرعی به شرح زیر بررسی شده است.

۱۱-۳- فرضیه فرعی اول

بر اساس فرضیه فرعی اول، انتظار می‌رود مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش دهد. همانطوری که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ و از خطای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر است که همبستگی را در سطح معناداری ۰/۹۹ مورد تایید قرار می‌دهد. نوع رابطه نیز مثبت می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده معادل ۰/۳۵۶ بوده که بیانگر میزان توصیف متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل می‌باشد.

جدول ۳- ضریب همبستگی و آزمون معنا داری - فرضیه فرعی اول

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری برای آزمون F
۰/۶۰۲	۰/۳۶۲	۰/۳۵۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۴ اقلام تعهدی کوتاه مدت مربوط بودن سود را کاهش می‌دهد و این کاهش در سطح معناداری ۰/۹۹ مورد تایید قرار می‌گیرد و از طرفی اقلام مذکور مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد، اما این افزایش به طور اساسی و در سطح خطای مورد نظر (۰/۰۵) مورد تایید قرار نمی‌گیرد. به عبارتی اقلام تعهدی کوتاه مدت بر مربوط بودن ارزش دفتری در کوتاه مدت تأثیر با اهمیتی (و نه اساسی) دارد.

جدول ۴- برآورد الگوی رگرسیونی فرضیه فرعی اول

متغیرها	ضرایب	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت (<i>Constant</i>)	۳/۳۸۳	۱۰۳/۷۴۶	۰/۰۰۰
مقدار ثابت مجازی (<i>Dj</i>)	۰/۰۸۲	۱/۹۱۴	۰/۵۶۰
سود هر سهم (<i>E</i>)	۰/۰۰۰۱۷۲	۹/۵۶۱	۰/۰۰۰
سود هر سهم مجازی (<i>EDj</i>)	-۰/۰۰۰۰۹۴۳	-۴/۴۴۸	۰/۰۰۰
ارزش دفتری (<i>BV</i>)	۰/۰۰۰۰۲۹۸	۱/۷۷۸	۰/۰۷۶
ارزش دفتری مجازی (<i>BVDj</i>)	۰/۰۰۰۰۱۲۵	۰/۶۱۸	۰/۵۳۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱۱-۴- فرضیه فرعی دوم

بر اساس فرضیه فرعی دوم، انتظار می‌رود مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلند مدت مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش دهد. جدول شماره ۵ ضریب همبستگی بالایی را در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد مورد تایید قرار می‌دهد. نوع همبستگی مثبت بوده و ضریب تعیین نیز معادل ۰/۳۴۱ که معرف میزان تغییر پذیری قیمت از جانب متغیرهای مستقل می‌باشد.

جدول ۵- ضریب همبستگی و آزمون معنا داری - فرضیه فرعی دوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری برای آزمون F
۰/۵۸۹	۰/۳۴۶	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۶ ارقام تعهدی بلندمدت باید تاثیر بیشتری بر مدیریت سود داشته باشد و نتایج آزمون نیز نشان می‌دهد که ارقام تعهدی بلندمدت مربوط بودن سود را کاهش و از طرفی مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد و

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی ۵۷

این تأثیر در سطح معنی داری بالای (۰/۹۹) مورد تایید قرار گرفته است.

جدول ۶ - برآورد الگوی رگرسیونی فرضیه فرعی دوم

متغیرها	ضرایب	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت (<i>Constant</i>)	۳/۴۹۲	۱۱۰/۹۷۱	۰/۰۰۰
مقدار ثابت مجازی (<i>Dj</i>)	-۰/۰۱۳	-۰/۲۹۸	۰/۷۶۶
سود هر سهم (<i>E</i>)	۰/۰۰۰۲۵۵	۱۰/۰۴۳	۰/۰۰۰
سود هر سهم مجازی (<i>EDj</i>)	-۰/۰۰۰۱۸۹	-۶/۹۲۰	۰/۰۰۰
ارزش دفتری (<i>BV</i>)	-۰/۰۰۰۰۴۱۶	-۲/۲۹۵	۰/۰۲۲
ارزش دفتری مجازی (<i>BVDj</i>)	۰/۰۰۰۰۹۱۷	۴/۱۲۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱۱-۵- فرضیه فرعی سوم

بر اساس فرضیه فرعی سوم، انتظار می‌رود مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری مربوط بودن سود را کاهش و مربوط بودن ارزش دفتری را افزایش می‌دهد. همان طوری که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ و از خطای مورد نظر (۰/۰۵) کمتر می‌باشد که همبستگی را در سطح معناداری ۰/۹۹ مورد تایید قرار می‌دهد. نوع رابطه نیز مثبت است. ضریب تعیین تعدیل شده معادل ۰/۳۵۲ بوده که بیانگر میزان توصیف متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل می‌باشد.

جدول ۷- ضریب همبستگی و آزمون معنا داری - فرضیه فرعی سوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری برای آزمون F
۰/۵۹۸	۰/۳۵۷	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون ارائه شده در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که مدیریت سود با استفاده

از (کل) ارقام تعهدی اختیاری، کاهش مربوط بودن سود را به همراه دارد و این موضوع با اطمینان ۹۹ درصدی مورد تایید قرار می گیرد و از طرفی مدیریت سود با استفاده از کل ارقام تعهدی اختیاری افزایش مربوط بودن ارزش دفتری را به همراه دارد، اما اهمیت آن در سطح خطای مورد نظر (۰/۰۵) مورد تایید قرار نمی گیرد.

جدول ۸- برآورد الگوی رگرسیونی فرضیه فرعی سوم

متغیرها	ضرایب	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت (<i>Constant</i>)	۳/۴۲۹	۱۱۱/۸۳۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت مجازی (<i>Dj</i>)	۰/۰۵۷	۱/۳۸۳	۰/۱۶۷
سود هر سهم (<i>E</i>)	۰/۰۰۰۱۴۴	۷/۳۱۲	۰/۰۰۰
سود هر سهم مجازی (<i>EDj</i>)	-۰/۰۰۰۰۶۳۲	-۲/۸۰۸	۰/۰۰۵
ارزش دفتری (<i>BV</i>)	۰/۰۰۰۰۲۵۱	۱/۴۹۱	۰/۱۳۷
ارزش دفتری مجازی (<i>BVDj</i>)	۰/۰۰۰۰۳۲۹	۱/۶۱۷	۰/۱۰۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱۱-۶- فرضیه اصلی سوم

بر اساس فرضیه اصلی سوم، انتظار می رود مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری بلندمدت در مقایسه با مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کوتاه مدت تأثیر بیشتری بر مربوط بودن سود و ارزش دفتری داشته باشد. با توجه به جدول شماره ۹ سطح معنی داری معادل ۰/۰۰۰ و از خطای مورد نظر کمتر می باشد، بنابراین همبستگی را که از نوع مثبت می باشد مورد تایید قرار می دهد.

جدول ۹- ضریب همبستگی و آزمون معنا داری - فرضیه اصلی سوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین شده	سطح معنی داری برای آزمون F
۰/۸۸۷	۰/۷۸۶	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی ۵۹

یافته های جدول شماره ۱۰ نشان می دهد که اقلام تعهدی کوتاه مدت تأثیر بیشتری در کاهش مربوط بودن سود نسبت به اقلام تعهدی بلند مدت دارند، اما اهمیت آن در سطح خطای مورد نظر (۰/۰۵) مورد تایید قرار نمی گیرد. از سوی دیگر اقلام تعهدی بلندمدت تأثیر بیشتری در افزایش مربوط بودن ارزش دفتری نسبت به اقلام تعهدی کوتاه مدت دارند که این افزایش تأثیر نیز در سطح خطای مورد نظر (۰/۰۵) مورد تایید قرار نمی گیرد.

جدول ۱۰- برآورد الگوی رگرسیونی فرضیه اصلی سوم

متغیرها	ضرایب	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت (Constant)	۳/۴۸۰	۶۳/۱۱۰	۰/۰۰۰
مقدار ثابت مجازی اقلام تعهدی کوتاه مدت (Sj)	۰/۰۷۲	۰/۹۶۹	۰/۳۳۳
مقدار ثابت مجازی اقلام تعهدی بلند مدت (Lj)	-۰/۰۸۴	-۱/۲۰۳	۰/۲۳۰
سود هر سهم (E)	۰/۰۰۰۲۱۰	۴/۸۸۷	۰/۰۰۰
سود هر سهم مجازی اقلام تعهدی کوتاه (EPSS)	-۰/۰۰۰۰۴۶۴	-۰/۸۶۶	۰/۳۸۷
سود هر سهم مجازی اقلام تعهدی بلندمدت (EPSL)	۰/۰۰۰۱۰۶	-۱/۷	۰/۰۹۰
ارزش دفتری (BV)	-۰/۰۰۰۰۲۹۸	-۰/۹۶	۰/۳۳۸
ارزش دفتری مجازی اقلام تعهدی کوتاه مدت (BVS)	۰/۰۰۰۰۰۰۸۶۱	۰/۰۲۱	۰/۹۸۳
ارزش دفتری مجازی اقلام تعهدی بلند مدت (BVL)	۰/۰۰۰۰۰۹۱۲	۲/۱۶۱	۰/۰۳۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۱۲- نتیجه گیری

تصور تدوین کنندگان استاندارد و قانون گذاران این است که مدیریت سود قابلیت اتکا d اطلاعات حسابداری را کاهش می دهد. اگر چه تحقیقات صورت گرفته در زمینه مدیریت سود اطلاعات با ارزشی را در ارتباط با دستکاری سود فراهم می کنند، اما هیچ گونه رهنمودی را در ارتباط با ارزش دفتری در اختیار قرار نمی دهند. در این تحقیق، اثر متقابل مدیریت سود بر ارزش بازار سهام از طریق لحاظ نمودن سود و ارزش دفتری در الگوی ارزیابی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در این تحقیق روشی ارائه گردیده که در آن اقلام تعهدی اختیاری به دو جزء کوتاه مدت و بلندمدت تفکیک شده است. تفکیک اقلام تعهدی اختیاری به دو جزء کوتاه مدت و بلندمدت، تدوین کنندگان استاندارد و قانون گذاران را قادر خواهد ساخت تا بخش هایی از مدیریت سود را که تأثیر قابل ملاحظه ای بر قابلیت اتکای اطلاعات دارد مشخص نمایند. این بدان معناست که از بین اقلام تعهدی کوتاه مدت و اقلام تعهدی بلندمدت کدام یک تأثیر بیشتری بر دستکاری سود دارد.

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها و پردازش های آماری و در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت که مدیریت سود در جمیع حالات ممکنه که در این پژوهش به آنها اشاره شد از مربوط بودن سود می کاهد و از آنجایی که این کاهش مربوط بودن در سطح معناداری مورد تایید قرار گرفت، بنابراین سرمایه گذاران نیز باید به طور اساسی آن را در تصمیم گیری های خویش لحاظ کنند. اما تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن ارزش دفتری صرفاً در حالت مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت مشهود بود و در سایر حالات این تأثیر مورد تایید قرار نگرفت. بنابراین به استثنای مورد فوق، این تأثیر اهمیت اساسی نداشته و سرمایه گذاران صرفاً می توانند در تصمیم گیری های خویش تا حدودی آن را مبنای تصمیم گیری خویش قرار دهند. پیام نهایی تحقیق حاضر این است که ادعای تأثیر بیشتر اقلام تعهدی اختیاری بلند مدت بر مربوط بودن اقلام صورت های مالی نسبت به اقلام تعهدی اختیاری کوتاه مدت، قویاً نمی تواند مورد تایید قرار گیرد.

۱۳- پیشنهاد برای تحقیقات آتی

در این تحقیق تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی برای شرکت‌هایی مورد بررسی قرار گرفت که ماهیت سهامی داشته و از طرفی عضو شرکت بورس اوراق بهادار تهران بودند از این رو انگیزه‌های مدیران و حجم و ماهیت اطلاعاتی که در این دست از شرکت‌ها وجود دارد به مراتب متفاوت‌تر از همان انگیزه‌ها و اطلاعاتی می‌باشد که در شرکت‌های مثلاً تحت نظارت دولت وجود دارد، و پیشنهاد می‌شود در تحقیق دیگر به بررسی ابعاد مدیریت سود در این گونه شرکت‌ها پرداخته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات دیگر به بررسی تأثیر و ارتباطات مدیریت سود با دیگر اقلام صورت‌های مالی از قبیل عناصر حقوق صاحبان سهام پرداخته شود.

منابع

- آذر، عادل، منصور مومنی، (۱۳۸۵)، "آمار و کاربرد آن در مدیریت"، جلد دوم، چاپ نهم، انتشارات سمت صص ۹۵ - ۹۷.
- دوانی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، "فساد و گزارشگری"، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۵۹، ص ۲۵.
- کرباسی یزدی، حسین، (۱۳۸۳)، "تئوری حسابداری (۱)"، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۲۰۶.
- عرب مازار یزدی، محمد، مشایخی، بیتا، افسانه رفیعی، (۱۳۸۵)، "محتوای اطلاعاتی جریان‌های نقدی و تعهدی در بازار سرمایه ایران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳، ص ۱۱۶.
- مومنی، منصور، (۱۳۸۷)، "تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS"، انتشارات کتاب نو، صص ۱۲۸ - ۱۳۲.

مهرانی و همکاران، (۱۳۸۴)، " نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران "، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۶۱ الی ۷۴.

Bartov, E., F. A. Gul, and J. S. L. Tsui. ,(2001). , "Discretionary-Accruals Models and Audit Qualifications." , Journal of Accounting and Economics 30 ,pp. 421-452.

Beaver, W. H., and E. E. Engel ,(1996)., " Discretionary Behavior with Respect to Allowances for Loan Losses and the Behavior of Security Prices.",Journal of Accounting and Economics 22,pp.177-206.

Bowman, R. G. and F. Navissi.,(2003),"Earnings Management and Abnormal Returns: Evidence from the 1970-1972 Price Control Regulations." , Accounting and Finance 43,pp.1-19.

Chia, Y. K., R. Czerkowski, and J. Loftus ,(1997), The Association of Aggregate and Disaggregated Earnings with Annual Stock Returns , Accounting and Finance 37,pp.111-128.

DeAngelo, L. E. ,(1986), Accounting Numbers as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholders. , The Accounting Review 61(3),pp. 400-420.

Dechow, P. M., R. G. Sloan, and A. P. Sweeney. ,(1995), Detecting Earnings Accounting Review 70 (2),pp. 193-225.

Dechow, P. M. and D. J. Skinner. (2000). Earnings Management: Reconciling the Views of Accounting Academics, Practitioners, and Regulators. Accounting Horizons 14 (2),pp. 235-250.

Healy, P. M. (1985). "The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions." Journal of Accounting and Economics 7(April),pp. 85-107.

Healy, P. M. and J. M. Wahlen. (1999),"A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting." Accounting Horizons, 13 ,(4),pp. 365-383.

Kothari, S.P., A. Leone and C. Wasley, (2001),"Performance

Matched Discretionary Accruals." Working Paper, Massachusetts Institute of Technology (Kothari), University of Rochester, pp. 261-266.

Ou, J., and J. Sepe.(2002). "Analysts Earnings Forecasts and the Roles of Earnings and Book Value in Equity Valuation." *Journal of Business Finance and Accounting* 29 (3-4), pp. 287-316.

Penman, S. (1998). "Combining Earnings and Book Value in Equity Valuation." *Contemporary Accounting Research* 15 (3), pp. 291-324.

Rangan, S. (1998). "Earnings Around Seasoned Equity Offerings: Are they Overstated?" , *Journal of Financial Economics* 50(1),pp. 101-122.

Scott, R. (2003), "Earning Quality and Short Sellers", *The Accounting Horizons*,pp. 49-61.

Shuto, A, (2007),"Executive Compensation and Earnings Management: Empirical Evidence from Japan," *Taxation & Auditing & Journal of International Accounting*, pp.16, 1-26.

Wilson, G. P. ,(1986). "The Relative Information Content of Accruals and Cash Flows: Combined Evidence at the Earnings Announcement and Annual Report Date." ,*Journal of Accounting Research* 24(Supplement),pp. 165-200.